

(3) ضرورت اتحاد همه نیروهای دمکرات و عرفی گرا حول يك برنامه حداقل

در داخل کشور، سازمان های مستقل جامعه مدنی؛ چه به صورت هسته ای و زیرزمینی و چه به صورت گسترده و علنی، در حال رشد و نمو هستند. رویش هر چه بیشتر این تشکلات، تضمین مستحکمی خواهد بود بر استواری و نهادینه شدن مردم سالاری در ایران. از سوی دیگر، يك جنبش جمهوريخواهی، چه در ایران و چه در خارج از کشور در حال شکل گیری است. در داخل کشور، «جبهه ملی ایران»، پس از ۲۵ سال سکوت، بازسازی می شود و برای کسب اعتبار و تعامل به تکاپو می افتد. دکتر پرویز ورجاوند؛ سخنگوی «جبهه ملی ایران» در داخل، در مورد فشارهای شدید سازمان های بین المللی بر ایران می گوید:

«تا زمانی که ما نتوانیم اصلاحات ساختاری بنیادینی را در راستای استقرار يك جمهوری واقعی، برکنار از حاکمیت دین سالاران، در کشور به اجرا دریاوریم، زیر چنین فشارها قرار خواهیم داشت.» (به نقل از «جمهوری»؛ ارگان جبهه ملی ایران در آمریکا؛ شماره اول ۲۰۰۳).

به تبعیت از شورای مرکزی «جبهه ملی ایران» (در درون کشور)، اعضاء و هواداران جبهه ملی در آمریکا از حاکمیت جمهور مردم دفاع کرده، خود را جمهوريخواه می خوانند. کنگره جبهه ملی ایران (شاخه برون مرزی) در آخرین روزهای مارس ۲۰۰۴ در استکهلم پایتخت سوئد تشکیل گردید. هدف اجلاس استکهلم این بود که امر وحدت فعالین جبهه ملی ایران در آمریکای شمالی و در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تحقق بخشند و راه را برای گسترانیدن فعالیت جبهه ملی در خارج از کشور هموار سازد. علاوه بر «جبهه ملی ایران»، در خارج از کشور دو جریان عمده جمهوريخواهی دیگر در حال ایجاد می باشند: یکی «جمهوريخواهان لائیک و دمکرات» (خط پاریس) و دیگری «اتحاد جمهوريخواهان» (خط برلین) است.

«جمهوريخواهان لائیک و دمکرات» (که هنوز نام گویا و روشنی برنگزیده اند) دارای گرایشات سوسیال دمکراسی از نوع کشورهای اسکاندیناوی هستند. آنها مقوله عدالت اجتماعی و تلفیق يك برنامه «دولت رفاه ملی» را در چارچوب اهداف جمهوريخواهی خویش داخل می کنند. بخشی از این نیرو، آرمان گرایانی هستند که از ایده ناکجاآبادی «جمهوری شورائی» دفاع می نمایند. جمهوری پارلمانی را ناکارآمد و آن را از مصنوعات بورژوائی برمی شمارند. خط جمهوريخواهی پاریس از سلطنت طلبی و اصلاح طلبی انتقاد می کند. اینان جمهوری اسلامی را اصلاح ناپذیر ارزیابی می کنند و خواهان اتخاذ اشکال انقلاب مآبانه و مداخله جویانه تری به منظور برچیدن رژیم جمهوری اسلامی هستند. «اتحاد جمهوريخواهان» (خط برلین) طیف فراگیرتری از نیروهای معتقد به لائیسیت و دمکراسی را در برمی گیرد. این نیرو از اصلاح طلبی دفاع می کند و در مورد اصلاح طلبان حکومتی در ایران، روش معتدل تری اتخاذ کرده است.

«حزب مشروطه ایران» توانسته است در سال های اخیر اعتبار روزافزونی در میان ایرانیان در داخل و خارج کسب کند. این حزب به مردم سالاری باورمند است و راهبرد گذار از استبداد دینی به پادشاهی مشروطه را در میان می گذارد. مشروطه خواهان می گویند که در ایران فردا، پادشاه از نقش گردانندگی برکنار خواهد بود و فقط نقش ناظر و تضمین کننده قانون اساسی را به عهده خواهد داشت. باید اذعان داشت که: جنبش جمهوريخواهی با جنبش مشروطه خواهی سلطنتی نه تنها در تقابل قرار ندارد بلکه هر دو دارای وجه مشترک بسیاری اند. برنامه حداقل اتحاد نیروها، همانا فصل مشترک موجود بین آنان را تشکیل می دهد. برنامه حداقل یعنی انفصال قانون اساسی موجود و فراخوانی مجلس مؤسسان به منظور تنظیم قانون اساسی جدید. برنامه حداقل همچنین یعنی احترام به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و برقراری آزادی های مدنی و نیز یعنی رجوع به فرآیند تعیین شکل حکومت توسط آحاد مردم.

در شرایط کنونی، بحران رهبری، بزرگترین نقطه ضعف اپوزیسیون را رقم می زند. این بدان معنا است که اپوزیسیون از انسجام و از رهبری قوی و متفق القول برخوردار نیست. ائتلاف بین گروه های سیاسی و توافق حول يك رهبری جمعی که بیانگر فصل مشترک نیروهای ائتلاف باشد، آن فقدان بزرگی است که جنبش عمومی مردم ایران از آن در رنج و خسران به سر می برد. يك رهبری جمعی می تواند نفوذ و اعتبار دو چندان را برای نیروی جانشین فراگرد آورد. يك رهبری جمعی، به عنوان نمادی از نظام آینده ایران، بهتر می تواند صدای مردم ایران را به گوش جهانیان برساند و در مجامع بین المللی بهتر می تواند از حضوری مؤثر برخوردار شود.

ایجاد اتحادهای کثرت گرا، به شیوه ائتلاف، همانقدر در این مرحله واجد اهمیت است که ایجاد تشکلات حزبی با برنامه های حداکثر. اتحادها که در برگزیده فراکسیون های اندیشگی و طیف فکری گسترده ای هستند، فقط در مورد موازین عمومی و بلافاصل گذار از جمهوری اسلامی می توانند موضع گیری کنند. به عبارت دیگر، این قبیل اتحادها تنها در چارچوب يك برنامه حداقل می توانند تحرك سیاسی داشته باشند. سه تشکل جمهوريخواهی که مورد اشاره قرار دادیم، تشکیلاتی ائتلافی هستند که در هر يك از آنها جمهوريخواهانی با گرایشات سیاسی متفاوت؛ اعم از سوسیالیست، لیبرالیست، ناسیونالیست و حتی دین باوران دمکرات، می توانند گردهم آیند و حول يك برنامه عمل حداقل، تشریک مساعی نمایند.

امر اتحاد به معنی الغای موجودیت مستقل گروه ها و احزاب دمکرات نیست. سازمان های حزبی و

گروهی به استقلال فعالیت و به حفظ مستقل خویش ادامه خواهند داد؛ منتهی در عین حال همگی زیر سقف يك تشکل وفاق ملی، که در برگیرنده خطوط اصلی و بلافاصل انتقال قدرت است مجتمع شده به فعالیت مشترک، حول برنامه حداقل، مبادرت می ورزند.

*

روشنفکران دینی از عهد سیدجمال اسدآبادی بر آن بوده اند که دین را با تجدد و با مفاهیم عصر جدید آشتی دهند. آشتی دادن دین با مدرنیته، اول بار به صورت پروژه ماکسیمالیسم دینی؛ یعنی گسترانیدن مرزهای دین تبارز یافت. مطابق با این پروژه، ادعا می شد که همه عوامل و منابع لازم برای راهپایی های جدید و طرحی نو از زندگی در انداختن در اسلام موجود است. گفتمان ماکسیمالیسم دینی (قرائت حداکثری از دین) یعنی همان پروژه «احیاء دینی» که پیش از انقلاب، ۵۶ بر این باور ایدئولوژیکی تکیه زد که اسلام قابلیت پاسخگو □؟ به کلیه وجوه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر را دارد. بنابراین، این پروژه مدعی گردید که اسلام می تواند طرحی مستقل و نوین («نه شرقی و نه غربی») برای ترقی و تجدد بیافریند.

در تبلیغ و تکثیر چنین توهمات، طیف گسترده ای از نیروهای مذهبی با یکدیگر اشتراك نظر داشتند. در يك سوی این طیف، معتدلین دینی، چون «نهضت آزادی ایران» و در سوی دیگر آن بنیادگرایان و تروریست های اسلامی، چون «فدائیان اسلام» و «جمعیت مؤتلفه اسلامی» قرار داشتند. «سازمان مجاهدین خلق ایران» نیز در درون این طیف می گنجید. البته معتدلین دینی به رهبری مهندس مهدی بازرگان خیلی زود، پس از انقلاب، از مشارکت سیاسی و از مصادر قدرت فاصله گرفتند و خود را از پدیده خمینیسیم متمایز کردند. مهندس بازرگان پیش از مرگ، در رد اسطوره ماکسیمالیسم دینی صحبت کرد و در مورد ضرورت جدائی دین از نهاد دولت (لائسیسته) به صراحت سخن گفت. متن سخن او، پس از مرگ، در مجله «کیان» چاپ گردید.

باری، پس از انقلاب ۵۶ و تجربه ناکارآمدی قرائت حداکثری از دین، بطلان این پروژه بر دین باوران صاحب نظر به اثبات رسید. زدایش هاله حداکثری از اسلام به تدریج منجر به مطرح شدن پروژه سکولاریته، آنچنانکه قبلاً در مغرب زمین اتفاق افتاده بود، گردید. امروز پس از تجربیات خونین و ایراد لطمات جبران ناپذیر بر پیکر جامعه، دین باوران بسیاری به میراث مدرنیته و دستاوردهای جنبش روشنفکری غرب (یعنی مردم سالاری، تکثرگرایی و لائسیسته) ایمان آورده اند. روشنفکران دینی اینک می پذیرند که دین به عنوان امری شخصی به حیطه زندگی خصوصی آدمیان تعلق دارد و آن را نباید با مسائل مدیریت و امور سیاست و دولت درهم آمیخت. سکولاریسم، در يك کلام، یعنی این که دین را به حریم خصوصی افراد منتقل کردن و پایگاه حقوقی قدرت را از زیر سلطه دین خارج کردن.

روشنفکران دینی فهمیده اند که شعله لهیب اسلام سیاسی باید فرو کاسته شود. آنها دریافته اند که پروژه ماکسیمالیسم دینی بر درکی اساطیری و خام اندیشانه از اسلام استوار است. روشنفکران دینی، اینک، از برنامه حداقل برای گذار از حکومت اسلامی به يك رژیم عرفی دفاع می کنند. دین باورانی که بر لائسیسته و بر ضرورت دمکراسی گردن می نهند، البته که به عنوان نیروهای سازنده می توانند در سیاست مداخله کنند و خواستار کسب قدرت سیاسی به شیوه های قانونی و قاعده مند باشند. این چنین نیروهائی (همچون «جبهه دمکراتیک مردم ایران» به رهبری حشمت الله طبرزدی) قطعاً در اتحاد نیروها و در امر ائتلاف حول برنامه حداقل، باید سهیم بوده و مشارکت داشته باشند.

نهاد دین و نهاد دولت دو حوزه متفاوت و جدا از یکدیگرند که هر يك دارای ویژگی های خاص خود می باشند. فقاقت، حوزه تنظیم امور معنوی و دینی مردم است و حکومت عرصه تنظیم امور مادی و دنیوی مردم و این دو را نباید با هم جمع و تلفیق کرد. حوزه فعالیت دین، امور فرا تاریخی است. یعنی این که؛ دین بیرون از ظرف زمان و مکان به دغدغه های معنوی و به مسائل ربانی و به پالایش وجدان اخلاقی مردم می پردازد. در مقابل، دولت نهادی است برآمده از شرایط تاریخی که با دنیای روزمره مردم سر و کار دارد و به تدبیر امور دنیوی جامعه می پردازد. لذا، فرمانروائی، کشورداری و تشخیص مصلحت عمومی اموری هستند که در حیطه کارکرد دولت می گنجند و از قلمرو نهاد دین بیرون می باشند. از آنجا که اقتضای دین از اقتضای دولت مجزا است، پس بهترین حالت آن است که: نه دین سکندار پیشبرد امور دولت شود و نه دولت دستگاه دین را براندازد و رتق و فتق امور آن را خود به دست گیرد. لائسیسته به معنای جدا بودن و جدا نگاهداشتن این دو نهاد لازم و ملزوم از یکدیگر است.

